

The Place of Economic Security in the Constitution of the Islamic Republic of Iran¹

Mohsen Azizi¹, Seyed Mehdi Fatemi²

¹Ph.D., Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).
Edris127@yahoo.com

²Master's degree, Department of Economic Security, Ministry of Economy, Tehran, Iran.
Seyedmehdimf1350@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to explain economic security and its place in the constitution of the Islamic Republic of Iran. In this regard, the main research question is: What is the place of economic security mechanisms in the constitution of the Islamic Republic of Iran? The method of study is descriptive-analytic and the results showed that economic and security mechanisms in the constitution of the Islamic Republic of Iran are quite compatible with modern frameworks and regulations of economic security that indicates the legislator's awareness of the features of an Islamic model society as it has explicitly referred to the economic security and its indicators through various principles. The most important principle in the constitution referring to economic security is the article 43 of the constitution.

Keywords: Economic Security, Iran's Constitution, Economic Policies, Economic System.

1. Received: 2021-04-29 ; Revised: 2021-05-20 ; Accepted: 2021-06-11

DOI: 10.22034/sej.2021.1927935.1327

© the authors <http://sej.journal.qom-iaua.ac.ir/>

Publisher: Qom Islamic Azad University



جایگاه امنیت اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱

محسن عزیزی^۱، سید مهدی فاطمی^۲

^۱دکتری، حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). Edris127@yahoo.com
^۲کارشناسی ارشد، گروه امنیت اقتصادی، وزارت اقتصاد، تهران، ایران. Seyedmehdimf1350@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین امنیت اقتصادی و بررسی جایگاه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش این است که سازوکارهای امنیت اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی چه جایگاهی دارد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که سازوکارهای اقتصادی و امنیتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی کاملاً با چارچوبها و موازین نوین امنیت اقتصادی مطابق است و نشان‌دهنده خودآگاهی قانون‌گذار به ویژگی‌های جامعه نمونه اسلامی دارد و در اصول متعددی به امنیت اقتصادی و شاخص‌های آن به صراحت اشاره کرده است. مهم‌ترین اصلی که در قانون اساسی به امنیت اقتصادی اشاره دارد، اصل ۴۳ قانون اساسی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: امنیت اقتصادی، قانون اساسی ایران، سیاست‌های اقتصادی، نظام اقتصادی.

۱. مقدمه

شکی نیست که امنیت، یکی از مهم‌ترین نیازهای اساسی بشر و نیازی اجتماعی است و وجود آن، یکی از اولین ضروریات انسان است. بدون امنیت زندگی سعادت‌مند برای تمامی مردم، امکان‌پذیر نیست، امری که در واقع، منشأ و زیربنای تمامی امور بوده و با فقدان آن، هیچ فعالیت فردی و اجتماعی، چه در عرصه فرهنگی و چه در عرصه‌های دیگر انجام نخواهد پذیرفت. امنیت به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین آرزوهای بشر و یکی از شرایط رفاه و آسایش وی تلقی شده و از دیدگاه مازلو،^۱ ابزار حرکت به سوی «خودشکوفایی انسانی» محسوب می‌شود (فینی‌زاده بیگدلی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۱۳). بشر همواره با معمایی به‌عنوان معمای امنیت روبرو بوده است. چون عوامل محیطی مهم‌ترین تهدیدکننده حیاتی‌ترین ارزش بشر، یعنی بقاء، بشمار می‌آیند (قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۳۲۱). بنا بر تعریف بوزان^۲، امنیت را می‌توان رهایی از تهدید دولت‌ها و جوامع برای حفظ هویت مستقل خود معرفی کرد (Udovic, 2006, p.5). تا چند دهه پیش، امنیت ملی صرفاً معنایی نظامی داشت و به همین دلیل، تهدید نظامی، مهم‌ترین تهدید برای امنیت ملی هر کشور شناخته می‌شد (خاکسار، ۱۳۸۹، ص ۴۰۵). پس از جنگ جهانی دوم، علی‌الخصوص پایان گرفتن دوره جنگ سرد، با کاهش نسبی درجه اهمیت جنبه‌های نظامی و سیاسی امنیت ملی و افزایش اهمیت جنبه‌های دیگر، به‌خصوص بُعد اقتصادی، امنیت ملی، نمود آشکارتری یافت (قنبرلو، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰). امروزه مفهوم امنیت ملی متحول شده و با مفهوم امنیت در دوره‌های قبل، تفاوت‌های اساسی پیدا کرده است. بدین معنی که امنیت چند جانبه، تجزیه‌ناپذیر و یکسان، در حال شکل‌گیری است و در تحویل این امنیت، مجموعه‌ای از افراد، گروه‌ها، سازمان‌های فراملی و فروملی و دولت‌ها نقش ایفا می‌کنند.

بُعد اقتصادی امنیت ملی که به امنیت اقتصادی مشهور است؛ یکی از وجوه اصلی امنیت ملی محسوب می‌شود (برومند و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۳). امنیت اقتصادی به میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی اطلاق می‌شود (ماندل، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷). به طور کلی امنیت اقتصادی، حمایت از منافع اقتصادی یک کشور به منظور مانع‌شدن از اقدامات، فعالیت‌ها و

1. Maslow

2. Buzan

حوادثی که این منافع را تهدید می‌کند، است. (سویزی و محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱). بنابراین، شاخص‌های امنیت اقتصادی عبارت‌اند از: تأمین کالاها و خدمات برای جامعه، حفظ منافع اقتصادی کشور، ثبات بازارهای ملی، تجارت آزاد، توسعه پایدار تولید ناخالص داخلی، رشد بهره‌وری، نرخ پایین تورم، ثبات نرخ ارز، تعادل تراز پرداخت‌ها، حل مسائل مرتبط با مواد مخدر و قاچاق کالا و غیره (Wysokinska, 2013, p.456).

قانون اساسی، عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه، و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور، تعیین و تضمین‌کننده حقوق شهروندان آن کشور است. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. به عبارت دیگر، قانون اساسی، قانون تعیین‌کننده نظام حاکم است. قانونی که مشخص می‌کند؛ قدرت در کجا متمرکز است؟ روابط این قدرت حاکم با آزادی‌ها و حقوق افراد ملت چگونه است؟ و این قوای حاکمه اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارهایی و مسئولیت‌هایی در برابر ملت دارند؟ با عنایت به شاخص‌های امنیت اقتصادی و اهمیت ویژه قانون اساسی در تعیین این شاخص‌ها، در این پژوهش به بررسی شاخص‌های امنیت اقتصادی در قانون اساسی کشور و جایگاه آن‌ها پرداخته می‌شود. در این راستا، هدف این پژوهش حاضر بررسی و تبیین جایگاه سازوکارهای امنیت اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

۲. پیشینه و نوآوری پژوهش

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، مطالعه‌ای که به جایگاه امنیت اقتصادی در قانون اساسی ایران بپردازد، یافت نشد. علاوه بر آن، مقاله و پژوهشی به صورت مستقل و جامع به جایگاه و اهمیت سازوکارهای اقتصادی و امنیتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز پرداخته است. برخی از مطالعات به بررسی امنیت اقتصادی و اهمیت آن در کشور پرداخته و برخی دیگر نیز، قانون اساسی ایران را بررسی و تحلیل نموده‌اند. تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های دیگر این است که در مقاله حاضر، قانون اساسی در پرتو تلقی مفهومی امنیت اقتصادی و ابعاد آن، مورد بازخوانی و بازفهمی قرار گرفته است و ضمن تبیین و بررسی جامع سازوکارهای اقتصادی و امنیتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی، تشریح نموده که امنیت اقتصادی در قانون اساسی ج.ا.ا. با چارچوب‌ها و موازین نوین امنیت اقتصادی مطابق است و نشان از خودآگاهی قانونگذار دارد.

فتحی و کوهی اصفهانی (۱۳۹۴)، به تألیف کتابی با عنوان «اصول قانون اساسی در پرتو

نظرات شورای نگهبان» پرداخته‌اند. در این کتاب، کلیه نظراتی که از سوی شورای نگهبان از ابتدای تشکیل این نهاد تاکنون صادر شده، بر اساس مستند قانون اساسی مربوط به آن نظر، دسته‌بندی شده است. در این مجموعه، پس از ذکر هر یک از اصول قانون اساسی، مجموع نظرات شورای نگهبان که با استناد اصل مزبور صادر شده است، در قالب پنج بخش کلی به ترتیب زیر ذکر شده‌اند. نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی، نظرات شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌های مصوبه هیئت‌وزیران، نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان، نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی، تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان.

سیف (۱۳۸۹)، در مقاله خویش با عنوان «مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی» بیان می‌کند که امنیت اقتصادی، چهره جدید و مهم امنیت در دنیای معاصر است، که در همه سطوح فردی، اجتماعی و ملی توجه نظریه‌پردازان حوزه امنیت را به خود جلب کرده است. این وجه از امنیت، گرچه در تاریخ زندگی اقتصادی بشر همیشه به نوعی وجود داشته، اما در بستر جهانی شدن، ابعاد و ویژگی‌های تازه‌یافته که اهمیت آن را تا رتبه اول میان سایر ابعاد، ارتقا داده است. در این مقاله سؤال محوری، چیستی امنیت اقتصادی، شاخص‌ها و تبعات فقدان آن است و ضمن پرداختن به سابقه تاریخی موضوع، مفاهیم، شاخص‌ها، رویکردهای امنیت اقتصادی، آثار و تبعات ناامنی اقتصادی، مورد بحث واقع شده است. در بخش پایانی مقاله، ظرفیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای ارتقای امنیت اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و شاخص‌های متنوع آن در سند مذکور، شناسایی و دسته‌بندی شده است.

عزتی و دهقان (۱۳۸۷)، در کتابی با عنوان «امنیت اقتصادی در ایران»، ضمن بررسی ادبیات علمی امنیت، به تحلیل آثار متقابل امنیت اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته‌اند. همچنین رابطه سرمایه‌گذاری و متغیرهای تولید، درون‌بخشی، پولی، نرخ ارز و تعادل در تجارت خارجی را همراه با دیدگاه‌های صاحب‌نظران پیرامون امنیت اقتصادی را بررسی کرده و عنوان شده که حصول امنیت اقتصادی در گرو تقویت نهادهای کارآمد و مؤثر است؛ زیرا وجود ارتباط معنادار میان متغیرهایی نظیر پس‌انداز، حجم پول، تسهیلات اعطایی بانک‌ها و نظایر آن، با متغیرهای کلیدی رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری، گویای اهمیت نهادهای مالی در حصول امنیت اقتصادی است.

شیخی مهرآبادی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «نقش دولت در اقتصاد اسلامی و قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ضمن بررسی تحول تاریخی دولت در اقتصاد، سعی کرده است به بررسی مبانی نظری دولت در اسلام و قانون اساسی ج. ا. ا. بپردازد. وی در این پژوهش، نقش دولت در قانون اساسی و اسلام را در حد میانه دیده و آن را از افراط و تفریط دور می‌داند. بر این اساس، دولت در ناکارآمدی بازار و نوسانات شدید رکودی و تورمی به ایجاد وضعیت تعادلی کمک خواهد کرد.

برومند و همکاران (۱۳۸۷)، در پژوهش خویش با عنوان «امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب»، به بررسی مفهوم امنیت با تأکید بر امنیت اقتصادی در کشورهای منتخب پرداخته است. در ابتدای این مطالعه، مفهوم امنیت و امنیت اقتصادی تشریح و سپس به بررسی اجزاء و عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی پرداخته شد. در ادامه نیز با استفاده از داده‌های موجود به مقایسه امنیت اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب پرداخته شد. بررسی شاخص‌های اقتصادی مؤثر بر امنیت اقتصادی کشورهای منتخب نشان داد؛ که این کشورها بیش از همه چیز به دولتی مقدر نیاز دارند. دولت‌ها به‌عنوان اولین و آخرین پاسخگوی وضعیت اقتصادی کشورها و تولیدکننده کالاهای عمومی، موظف‌اند که با انتخاب استراتژی‌های لازم و مناسب، وضعیت شاخص‌های مؤثر بر امنیت اقتصادی را در کشورهای خود ارتقاء بخشند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌های پژوهش با روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده‌اند. از آنجایی که این تحقیق درباره یک موضوع واقعی و عینی صورت گرفته و از نتایج آن می‌توان به طور علمی استفاده کرد، یک تحقیق کاربردی است.

۴. مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ^۱، یک مکتب فکری در مطالعات امنیتی است که برای اولین بار بیل مک سوئینی^۲ بر آثار و نقطه نظرات باری بوزان^۳، الی ویور^۴ و دوویلد^۵ و دیگران به کار برده است. این

-
1. Copenhagen School
 2. Bill Mc Sweeny
 3. Barry Buzan
 4. Ole Waver
 5. De Wild

مکتب باتوجه به اینکه، بر مطالعات امنیتی توجه ویژه داشته، رهیافتی در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی است. مکتب کپنهاگ، مطالعات امنیتی را که از ویژگی دوران بعد از جنگ سرد است؛ از حوزه مطالعات راهبردی دوران جنگ سرد تفکیک کرده و آن را ذیل روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی را ذیل مطالعات امنیتی قرار داده است. این ایده بوزان و همکارانش باعث شد در مسائل امنیتی توجه صرف به حوزه نظامی تغییر نموده و جنبه‌های دیگر امنیت مورد توجه قرار گیرد (عبدالله خانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱).

نظریه‌پردازان آن، به‌ویژه باری بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» که به‌عنوان یکی از جامع‌ترین تحلیل‌های نظری در مورد مفهوم امنیت در روابط بین‌الملل شناخته می‌شود، به بررسی علمی موضوع امنیت توجه زیادی کرده‌اند. کتاب دوم بوزان هم به نام «هویت، مهاجرت و دستورالعمل نوین امنیت در اروپا» با برخورداری از چارچوب سازه‌انگاری و توجه به مسائل هویتی، فرهنگی و مهاجرت و نقش آنان در رابطه با امنیت، تا حد زیادی به تحولات نوظهور و چالش‌های امنیتی - اجتماعی پرداخته است (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۴۴۰).

به تعبیر باری بوزان، برای چند بُعدی بودن امنیت، بایستی تأثیر فرهنگ، جغرافیا، محیط زیست، تمدن و مذهب و از همه مهم‌تر هویت را فهمید. جهان آرمانی، جهانی نیست که در آن هرکس موفق شود به امنیت دست یابد، بلکه جهانی است که در آن دیگر نیازی به گفت‌وگو و بحث بر سر امنیت نباشد (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۴۴۵). باری بوزان، امنیت تک بُعدی را زیر سؤال برده و آن را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داده است (بوزان و همکاران، ۱۹۹۸، ص ۴۰۵).

به‌طورکلی، رهیافت نوین مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی و تلاش متفکران آن، خروج امنیت از تک بُعدی نظامی و طرح امنیت فراگیر در پی ظهور تهدیدات جدید است؛ بنابراین، با توجه به رویکرد تخصصی این مکتب در تحلیل امنیت، می‌تواند الگویی مناسب در تحلیل مسائل امنیتی معاصر باشد (امامقلی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۹).

۴-۱. امنیت از منظر مکتب کپنهاگ

باری بوزان درخصوص امنیت معتقد است که بایستی امنیت را برابر با رهایی از تهدید تعریف نمود و از نظر وی امنیت در نبود مسئله دیگری به نام تهدید درک می‌شود. این تعریف باری بوزان، به تعریف امنیت در دوران جنگ سرد که مضیق و تک بُعدی و مورگتایی بود نزدیک است، ولی

خود بوزان، امنیت را پس از جنگ سرد، دیگر در نبود تهدید سنتی تعریف نمی‌کند، او می‌گوید: «امنیت را باید چند بُعدی نگریست که ابعادی مانند، افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیر دولتی فراملی و فرو ملی، محیط زیست و اقتصاد را شامل می‌شود». از نظر بوزان، دولت دیگر تنها مرجع امنیت محسوب نمی‌شود و افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیر دولتی و فراملی، همگی در وجود امنیت مرجع هستند (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۴۴۵). بوزان با بیان اینکه هدف از مفهوم گسترده امنیت، کاهش گرایش نظامی از طریق تعمیم دستور کار امنیت به سایر بخش‌هاست، با احصای مصادیق تهدیدات نوین غیرنظامی مثل مسئله بدهی جهانی، تورم، کمبود سرمایه و کشمکش‌های تجاری، ضعف و ناکارآمدی، بالا آمدن سطح آب دریاها و غیره، نتیجه می‌گیرد که دیدگاه گسترده امنیت باید حاوی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز نظامی باشد (کریمی مله و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹۲).

۵. امنیت اقتصادی

استانلی هافمن،^۱ امنیت را حمایت هر ملت از صیانت و دور نگه‌داشتن جامعه از حمله فیزیکی و جریان‌های ویران‌کننده بیرونی می‌داند، ولی با تغییر تاکتیک و رویکرد امپریالیسم و استعمار از شیوه‌های کهن مبتنی بر حمله فیزیکی و نظامی به شیوه‌های سلطه اقتصادی و فرهنگی، امروز آنچه امنیت کشورهای جهان سوم را از جانب قدرت‌های بزرگ تهدید می‌کند، تنها حمله فیزیکی نیست. در دنیای امروز همچنان که هجوم دشمنان صرفاً نظامی نیست، مقابله با دشمن، دشمنان یا رقیبان نیز صرفاً به دفاع نظامی محدود نمی‌شود، بلکه دفاعی فرهنگی، هویتی و توسعه‌ای خواهد بود. به همین دلیل است که عده‌ای دیگر از نظریه‌پردازان قدرت و امنیت ملی همچون رابرت مک‌نامارا^۲ بر این باورند که در جوامع در حال مدرن، امنیت سخت‌افزاری نیست، گرچه ممکن است شامل آن هم بشود؛ امنیت، نیروی نظامی نیست، گرچه ممکن است آن را نیز دربرگیرد؛ امنیت توسعه‌ای است و بدون توسعه، امنیتی وجود ندارد. مک‌نامارا معتقد است امنیت در گرو فکر انسان و در سایه توسعه عملی است و به خوبی می‌دانیم توسعه مفهومی، کیفی است که از طریق فرایند فرهنگ‌سازی و ایجاد هویت فرهنگی تحقق می‌یابد. جامعه‌ای که گرفتار بحران

1. Stanley Hoffmann

2. Robert Strange McNamara

هویت و به تبع آن مشارکت است، نمی‌تواند به توسعه دست یابد و از اقتدار ملی و امنیت با این تعاریف درمی‌یابیم که امنیت از بُعد نظامی صرف، خارج شده است و ابعاد دیگر از جمله اقتصادی و توسعه‌ای را نیز دربرمی‌گیرد. لذا مفهوم امنیت را باید، با در نظر گرفتن این تحولات به کار بست (صدقی چکان، ۱۳۸۹، ص ۷۹).

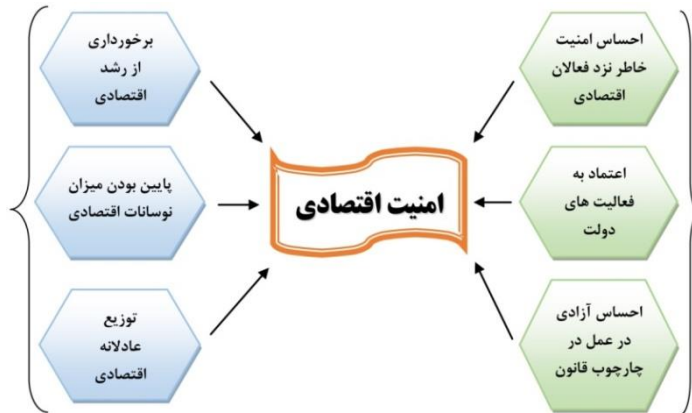
امنیت اقتصادی به میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی اطلاق می‌شود (ماندل، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷). به طور کلی امنیت اقتصادی، حمایت از منافع اقتصادی یک کشور به منظور مانع شدن از اقدامات، فعالیت‌ها و حوادثی که این منافع را تهدید می‌کند، است (سویزی و محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱). بنابراین، شاخص‌های امنیت اقتصادی عبارتند از: تأمین کالاها و خدمات برای جامعه، حفظ منافع اقتصادی کشور، ثبات بازارهای ملی، تجارت آزاد، توسعه پایدار تولید ناخالص داخلی، رشد بهره‌وری، نرخ پایین تورم، ثبات نرخ ارز، تعادل تراز پرداخت‌ها، حل مسائل مرتبط با مواد مخدر و قاچاق کالا و غیره (Wysokinska, 2013, p.456).

امنیت اقتصادی متأثر از عوامل متنوع اقتصادی و غیر اقتصادی بوده که کشورهای مختلف- اعم از توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته- این موضوع را در سیاست‌های خود مدنظر قرار می‌دهند. با این تفاوت که بحث امنیت اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته پیرامون ارائه تعاریف جدید و مترقی از حق حاکمیت، انضباط مالی، هزینه‌های زیست محیطی و ثبات اقتصادی است، اما در کشورهای درحال توسعه، مباحثی چون توزیع درآمد، توسعه‌یافتگی مناطق مختلف، قوانین و نهادهای جاری، نوسانات شدید دوره‌ای و سیاست‌های اتخاذی، محور و موضوعیت امنیت اقتصادی را تشکیل می‌دهد. مقوله امنیت اقتصادی در کتاب‌های درسی رشته اقتصاد تحت عنوان «ثبات در اقتصاد کلان» آمده است. که به طور تلویحی به امنیت اقتصادی اشاره دارد. این تعریف اقتصادی از امنیت، که در متون اقتصادی ارائه شده است، از مفاهیمی چون تورم، فرار سرمایه، میزان کسری بودجه، نسبت بودجه دولت به کل تولید ناخالص داخلی، سپرده‌های بانکی افراد و مؤسسه‌های خصوصی، حجم تجارت جهانی (صادرات به علاوه واردات، تقسیم بر تولید ناخالص داخلی)، ترکیب کالاها و خدمات صادراتی و وارداتی و میزان درون‌زایی آن‌ها و غیره، برای نشان دادن وضعیت امنیت اقتصادی، با توجه به نوع تجزیه و تحلیل مورد نیاز یک کشور، استفاده شده است (مصطفی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۰).

با خاتمه جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، ایده امنیت اقتصادی، جایگاه والایی در دستور کار نظام‌های سیاسی یافته است و همه آن‌ها تلاش کرده‌اند که برای شهروندان خویش، امنیت اقتصادی را تأمین نمایند. این بُعد از امنیت، پس از جنگ سرد، اهمیت روزافزونی یافت و دانش‌پژوهان و سیاست‌گذاران، ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه، به دنبال راه‌های جدیدی جهت وارد نمودن موضوعات اقتصادی، در راهبردهای سنتی دفاعی بوده‌اند. همچنان که بسیاری از کشورهای جهان سوم از شعار تأمین اقتصادی برای اصلاح موقعیت نامساعد خود بهره گرفته و می‌گیرند. از سویی در عرصه بین‌المللی، استفاده از امکانات اقتصادی به‌عنوان یک اهرم کارساز، هم باعث ایجاد آسیب‌پذیری بیشتر دولت‌ها و هم رشد افزون‌تر اهمیت موضوع امنیت اقتصادی گشته است. زیرا با جهانی شدن اقتصاد و افزایش همبستگی اقتصادی واحدها، دول بیش از هر زمانی برای تأمین نیازمندی‌های خود به یکدیگر وابسته هستند. نظام‌های سیاسی در حال حاضر ضمن دنبال نمودن راهبردهای خودکفایی اقتصاد ملی، ضرورت امنیت اقتصادی مبتنی بر راهبردهای وابستگی متقابل جهانی را نیز به‌شدت دنبال می‌کنند هر چند در هیچ نقطه از عالم شاهد تحقق کامل همکاری اقتصادی مؤثر و مطمئن جهانی نیستیم و توزیع جهانی کالا و خدمات اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ایی آشفته و به سود دول پیشرفته و کشورهای شمال است. لذا، شکاف بین فقرا و اغنیاء در عرصه بین‌المللی و بین ملت‌ها بیشتر شده است (شمسی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸).

ماندل^۱ در نظریه امنیت اقتصادی در فرایند جهانی شدن اقتصاد، بر روی دو عامل رشد و توزیع تأکید می‌نماید. مطالعات نظری و تجربی دیگری نیز بر عامل ثبات رشد به‌عنوان علامت مهمی در تضمین سلامت فعالیت‌های اقتصادی و تصمیم‌گیری برای توسعه این فعالیت‌ها تأکید دارند. مؤلفه‌های کمی کلان اقتصادی که می‌توانند معرف میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات هم از طریق مجرای عملکرد داخلی و هم از طریق حضور در بازارهای بین‌المللی باشند، در قالب سه شاخص عمده رشد، ثبات اقتصادی و توزیع، تجلی می‌یابند. مؤلفه محیطی عمده‌ای که بتواند موجب تحقق این تعریف در فضایی کاملاً امن و اطمینان‌بخش برای تداوم پایداری و ثبات امنیت اقتصادی گردد در سه شاخص، احساس امنیت خاطر نزد فعالان اقتصادی، احساس آزادی عمل در چارچوب قانون و اعتماد به فعالیت‌های دولت، قابل تعریف است. بنابراین، مؤلفه‌های اقتصادی و غیر اقتصادی شاخص امنیت اقتصادی را

می‌توان در قالب مدل شماره (۱) نشان داد (گرگی و هاشمیان، ۱۳۸۶، ص ۶۳):



مدل ۱- مؤلفه‌های اقتصادی و غیر اقتصادی شاخص امنیت اقتصادی

در یک جمع‌بندی کلی، امنیت اقتصادی به صورت‌های زیر تعریف شده است:

- رسیدن به شرایط مورد لزومی که بهبود نسبی بلند مدت در بهره‌وری سرمایه و نیروی کار و در نتیجه استانداردهای بالای زندگی (در حال افزایش برای آحاد جامعه) شامل رسیدن به محیط مساعد تجاری پویا، امن و مناسب برای نوآوری و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و رشد اقتصادی پایدار را تشویق کند؛

- وضعیتی که در آن، واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرات محیطی برنامه‌ریزی بلند مدت داشته باشند؛

- فراهم کردن یک فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی که در چارچوب آن، طرح‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی از مرحله اجرا و بهره‌برداری تا پایان کار بدون اختلال و آشفتگی‌های بیرونی صورت گیرد؛

- مجموعه‌ای از شرایط عوامل و ساختارهای اجتماعی که باعث دلگرمی آسایش خیال، ذوق و شوق مردم به کار و کوشش، فعالیت و امید به آینده می‌شود؛

- چارچوب نهادینه‌ای از شرایط سیاسی، اجتماعی و حقوقی که اعتماد پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران را جلب کرده و امنیت حقوقی معاملات را افزایش می‌دهد (مصطفی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

بنابر تعریف‌های ارائه شده از این مفهوم، امنیت اقتصادی را می‌توان مجموعه به هم پیوسته‌ای

از متغیرها و عوامل اقتصادی بشمار آورد که ماهیتی اقتصادی دارند، اما تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها به حوزه اقتصاد محدود نشده و حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی را نیز در برمی‌گیرد. بر این اساس و باتوجه به گستره ابعاد و حوزه‌های امنیت اقتصادی، تعریف امنیت اقتصادی و تعیین شاخص‌های دخیل در آن، وابستگی زیادی به نحوه نگرش و نوع رویکرد به این موضوع دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۲). در جدول شماره (۱) امنیت اقتصادی در یازده رویکرد مختلف تعریف شده و برای هر یک از این رویکردها شاخص‌هایی معرفی گردیده است.

جدول ۱- رویکردهای مختلف نسبت به امنیت اقتصادی (میرمحمدی، ۱۳۸۲)

ردیف	رویکرد	تعریف	شاخص‌ها
۱	تجارت رفاه	میزان حفظ و ارتقاء سطح و شیوه زندگی مردم یک جامعه از راه تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی	۱. سطح رفاه اقتصادی ۲. تأمین کالاها و خدمات اساسی ۳. درجه باز بودن اقتصاد
۲	رشد پایدار	رسیدن به شرایط لازم برای بهبود نسبی بلندمدت بهره‌وری سرمایه و نیروی کار و در نتیجه تحقق استاندارد بالای زندگی و محیط تجاری مساعد و امن برای نوآوری، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی	۱. بهره‌وری کار و سرمایه ۲. استانداردهای زندگی ۳. رشد پایدار اقتصادی ۴. امنیت سرمایه‌گذاری ۵. آزادسازی اقتصاد
۳	برنامه‌ریزی بلندمدت	وضعیتی است که در آن واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت انجام دهند.	۱. مصونیت از تهدیدهای خارجی (محیطی) ۲. امکان برنامه‌ریزی بلندمدت فعالان اقتصادی
۴	بین‌رشته‌ای	فراهم کردن فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی لازم برای اینکه طرح‌های اقتصادی از آغاز تا پایان کار بدون اختلال و آشفتگی‌های بیرونی اجرا شوند	۱. مصونیت از آشفتگی‌های محیطی ۲. شرایط مساعد حقوقی، اجتماعی و سیاسی ۳. تداوم و پایداری سرمایه‌گذاری ۴. تداوم تحرک فعالان اقتصادی
۵	پیش‌بینی	شرایط آینده تا حدودی قابل پیش‌بینی بوده و محدوده عمل و تغییرات متغیرها تا حدودی پیش‌بینی مشخص باشد	۱. قابلیت پیش‌بینی آینده ۲. مشخص بودن متغیرهای مؤثر بر پیش‌بینی ۳. روند تغییرات متغیرها و محدوده آن
۶	سرمایه‌گذاری	اطمینان از حفظ اصل و سود سرمایه برای سرمایه‌گذاران	۱. قوانین و مقررات محدودکننده جدید ۲. نا آرامی‌های محیطی ۳. تغییر زیاد قیمت‌ها ۴. تغییر سیاست‌های پولی، مالی و مالیاتی ۵. مداخله دولت در بازار
۷	مالکیت	امکان دسترسی، حفظ و نگهداری مالکیت مادی و معنوی در سطوح فردی و سازمانی	۱. ثبات قوانین و مقررات ۲. قوانین مربوط به مالکیت‌های مادی و معنوی

ردیف	رویکرد	تعریف	شاخص‌ها
۸	تعادل	ثبات اقتصادی و پایداری رشد مبتنی بر تعادل (تسویه) پایدار بازار	۱. شکاف میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ۲. کسری بودجه دولت ۳. تراز پرداخت‌ها ۴. شکاف میان نرخ رشد جمعیت و رشد تولید ۵. شکاف (بالقوه و بالفعل) تولید ناخالص داخلی
۹	ابزاری	وجود ابزارهای کارآمد برای تحقق و حفظ امنیت اقتصادی	۱. قوانین شفاف ۲. تضمین مالکیت ۳. دستگاه قضایی کارآمد
۱۰	تأمین آینده	ثبات و آرامش درونی و بیرونی ناشی از نبود نگرانی از آینده	۱. ثبات درآمدی دولت ۲. بازارهای سازمان‌یافته و کارآمد ۳. نظام تأمین اجتماعی
۱۱	ریسک و مخاطره	کنترل و کاهش ریسک کشوری	۱. هزینه‌های سرمایه‌گذاری ۲. نرخ‌های بیمه ۳. ورود و خروج سرمایه

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هرچند در هریک از رویکردهای یاد شده شاخص‌ها و متغیرهای متفاوتی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر از امنیت اقتصادی معرفی شده‌اند، ولی ارتباط زیادی بین این متغیرها وجود دارد. به‌عنوان مثال، رشد پایدار تا حد زیادی تحت تأثیر مفاهیم رویکرد تجارت رفاه قرار دارد و می‌توان رویکرد مالکیت را در ذیل رویکرد سرمایه‌گذاری و به‌عنوان بخشی از امنیت سرمایه لحاظ کرد. همچنین متغیرهای مربوط به ثبات و شفافیت قوانین و مقررات در رویکردهای سرمایه‌گذاری، بین‌رشته‌ای، ابزاری و مالکیت مورد تأکید قرار گرفته است.

۵-۱. عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی

عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی را می‌توان به سه حوزه کلی زیر تقسیم نمود:
 نهادهای کارآمد، سیاست‌گذاری دولت، قوانین و مقررات.

۵-۱-۱. حوزه نهادهای کارآمد

حصول امنیت اقتصادی تا حد زیادی وابسته به کارآمدی و عملکرد صحیح نهادهای مختلف جامعه است. به‌طور کلی می‌توان نهادهای مرتبط با مقوله امنیت اقتصادی را به چهار گروه زیر تقسیم کرد:

۱. **نهادهای مالی:** بانک‌ها و مؤسسات مالی، بازار سرمایه، صنعت بیمه و نهادهای ناظر مالی،

۲. **نهادهای قضایی:** دادگستری و نیروی انتظامی،

۳. **نهادهای اداری:** وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتی،

۴. **نهادهای اجتماعی:** مجالس قانونگذاری، اتحادیه‌ها و اصناف، اتاق‌های بازرگانی و احزاب

سیاسی (عزتی و دهقان، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

کارکرد اصلی نهادها این است که از طریق ایجاد یک ساختار با ثبات، عدم اطمینان حاکم بر مبادلات را کاهش دهند. اگر در خصوص تحقق و اجرای قراردادها و توافق‌های به عمل آمده، اطمینان وجود نداشته باشد، هزینه‌های معاملات (مذاکره و چانه‌زنی) افزایش یافته و معامله به سختی صورت می‌گیرد؛ اما در صورت وجود نهادهای قانونی قوی و همراه با ضمانت اجرایی، هزینه معاملات به شدت کاهش یافته و در نهایت بر قدرت رقابتی و قیمت تمام شده محصول تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، نهادهای کارآمد مانند سوپاپ اطمینان عمل کرده و ضمن افزایش امنیت اعتماد در جامعه، هزینه‌های زندگی افراد را نیز کاهش می‌دهد. به طور کلی نهادهای مرتبط با مقوله امنیت اقتصادی را می‌توان به چهار گروه نهادهای مالی، نهادهای قضایی، نهادهای اداری و نهادهای اجتماعی تقسیم کرد (عزتی و دهقان، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

۵-۱-۲. سیاست‌گذاری دولت

به هر میزان دولت‌ها اهداف و حرکت‌های خود را در چارچوب قانون انجام دهند، بازیگران و کارگزاران اقتصادی، توانایی بیشتری برای پیش‌بینی وضعیت آتی خود و جامعه خواهند داشت و می‌توانند اهداف و رفتار خود را بر پایه آن شکل داده و اقتصاد را در یک مسیر هدایت شده قرار دهند؛ اما در صورتی که دولت در وضع و تغییر قوانین از اصول و قواعد مشخصی تبعیت نکند، منجر به کاهش امنیت در اقتصاد شده و هزینه مبادله و قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات را افزایش می‌دهد. این امر، منجر به کاهش قدرت رقابت در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای شده و در نهایت، موجب کاهش میزان رفاه عمومی جامعه می‌شود. بنابراین، دولت، هم می‌تواند به عنوان یک عامل اصلی ایجادکننده امنیت به طور عام و امنیت اقتصادی به طور خاص محسوب شود و هم می‌تواند عاملی برای تهدید امنیت باشد.

۵-۱-۳. قوانین و مقررات

دستیابی به امنیت اقتصادی، بدون وجود قوانین و مقررات شفاف و باثبات امکان‌پذیر نیست. قوانین و مقررات، مبنای عملکرد تمامی عوامل اقتصادی بوده و بدون داشتن قوانینی که از ایجاد ثبات و امنیت در فضای کسب‌وکار اقتصادی حمایت کند، سطوح بالای امنیت اقتصادی نیز محقق

نخواهد شد. قوانین و مقررات مربوط به تجارت، مالیات، مالکیت، سرمایه‌گذاری خارجی، کار و مالکیت معنوی، از مهم‌ترین قوانینی هستند که ارتباط زیادی با موضوع امنیت اقتصادی دارند (همان، ص ۱۶).

۶. قانون اساسی

قانون اساسی عالی‌ترین سند سیاسی - حقوقی و به‌عنوان میثاق ملی و مبین عصاره اراده ملت، دربردارنده قواعد اساسی و بنیادین در خصوص قدرت سیاسی و شیوه زمامداری و رابطه حاکمان با شهروندان است. ایده تدوین اصول و قواعد قانون اساسی به دوره قرون هجدهم و نوزدهم برمی‌گردد؛ زمانی که تحولات عمده‌ای در جهان غرب همچون انقلاب رنسانس، انقلاب صنعتی عصر روشنگری، تفکر مردم‌سالاری، حاکمیت قانون و آزادی‌خواهی اتفاق افتاد. قانون اساسی که در زبان انگلیسی در واژه «Constitution» آمده است (آقایی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۲) و معادل لاتین آن «Constitutional» می‌شود و ریشه فعلی آن «To Constituten» به معنی بنیان نهادن، ایجادکردن و تأسیس کردن است. بنیان، انسجام، استخوان‌بندی و اسلوب از دیگر معانی است که از این ریشه فعلی استخراج می‌شود. قانون اساسی نیز از آن جهت که اساس و بنیان یک نظام حقوقی و سیاسی را طراحی و استخوان‌بندی و چارچوب کلی آن را ترسیم می‌کند، از این ریشه فعلی مشتق شده است (وینسنت، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳).

قانون اساسی عالی‌ترین قانون حاکم در کشور است و مبین قواعد اساسی و بنیادی یک ملت و دولت است که نحوه استقرار سازمان‌ها و نهادهای حکومت را مشخص می‌نماید. همچنین حوزه و قلمرو صلاحیتی قوای حاکم در کشور را معین می‌کند و تضمین‌بخش حقوق و آزادی‌های ملت است (Garner, 2004, p.330). قانون اساسی ضمن مشخص کردن محدوده‌های اعمال حاکمیت توسط قوای حاکم، با درج وظایف و اختیارات هر یک از نهادها و مقامات حکومتی، نحوه دخالت‌های دولت در روابط اشخاص را در جامعه معین می‌کند. این قانون به‌عنوان عالی‌ترین قانون بنیادین کشور «چارچوب‌های را مقرر می‌دارد که بر اساس آن، کلیه قوانین دیگر مشروعیت خود را از آن می‌گیرند (Clapp, 2000, p.101).

قانون اساسی به اقسام مختلفی تقسیم می‌شود و این تقسیم‌بندی‌ها بر اساس معیارهای: مدون و غیر مدون، نحوه بازنگری و ارزشی، انجام می‌شود. قانون اساسی از طرق مختلف نظیر فرامین حاکمان، تحولات عمده و بزرگ (انقلاب، شورش و کودتا) و فروپاشی، انحلال یا ترکیب

کشورهای جدید شکل می‌گیرد و معمولاً نهاد واضع آن را قوه مؤسس می‌نامند که بیشتر با اتکاء به آراء مردم، قانون اساسی تصویب می‌شود. قانون اساسی باید از خصایص عمده‌ای برخوردار باشد که مهم‌ترین آن‌ها انطباق با نظام ارزشی و بینشی موجود در جامعه و تضمین حقوق و آزادی‌های ملت و اصل حاکمیت قانون و حاکمیت مردم باشد. در نهایت اینکه، از قانون اساسی باید به طرق مقتضی صیانت و پاسداری شود، که این صیانت‌ها بر حسب تجربه کشورهای مختلف به شیوه‌های رسمی و غیررسمی امکان‌پذیر می‌باشد.

قانون اساسی به‌عنوان عصاره اراده ملت و نماد میثاق ملت با حاکمان، بیان‌کننده مهم‌ترین، اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین قواعد و مقررات تصدی و اعمال قدرت سیاسی و حقوق و آزادی‌های ملت است. لذا، باید در رأس سایر قوانین قرار گیرد و همه قوانین دیگر و تصمیمات حکومتی و خط‌مشی‌های سیاسی از آن تبعیت نمایند. از آنجایی که قانون نمی‌تواند تمام حوادث آینده را پیش‌بینی نماید و چه بسا قانونگذار نتواند کلیه مسائل پیرامون قانون را هنگام وضع آن در نظر داشته باشد، ممکن است در آینده و در مرحله اجرا با خلاءهایی مواجه شود که نیازمند تفسیر و تکمیل آن باشد. از این‌رو، باید اصول قانون اساسی به‌طور کلی تنظیم و مقرر شوند تا قابلیت انطباق با وقایع و حوادث آینده از طریق تفسیر با وضع قوانین و مقررات عادی را داشته باشد و چندان نیازی به تغییر و اصلاح مکرر قانون اساسی نباشد. چرا که اصلاحات مکرر و زود هنگام، ثبات و دوام قانون اساسی و در نتیجه صلح، امنیت و اساس جامعه را به خطر می‌اندازد. لذا، قانون اساسی به صورت کلی و با عبارات عام و موسع نوشته می‌شود و جزئیات و تفصیل آن، توسط قوانین و مقررات دیگر تبیین و تصویب می‌گردد.

قانون اساسی^۱ به مفهوم مدرن، حداقل ترکیبی از دو مفهوم است: مفهوم اول، مجموعه‌ای است از قواعد ارزشی و دستوری، در جهت حفظ حداکثر آزادی‌های دموکراتیک و حداکثر محدودیت‌های دولت و اینکه دولت چگونه باید سازماندهی شود. قانون اساسی به مفهوم دوم، سندی مکتوب و ملی برای تأسیس آرمان سیاسی و آزادی‌خواهانه قانون است و مفهوم دوم به جنبه توصیفی سازماندهی و مدیریتی قدرت سیاسی توجه دارد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰).

۶-۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اولین قانون اساسی است که حاکمیت الهی و مردمی را

در قالب ولایت فقیه اجرایی ساخت و حاکمیت الهی را به واسطه امامان معصوم و ملت اسلامی به ولی فقیه واگذار کرد. این قانون در سال ۱۳۵۸ توسط مجلس خبرگان قانون اساسی در ۱۷۵ اصل، تصویب و همان سال به همه‌پرسی گذاشته شد و نتیجه آن با رأی مثبت اعلام شد. در سال ۱۳۶۸، اصلاحاتی در این قانون صورت گرفت و سمت نخست‌وزیری در سمت ریاست جمهوری ادغام شد و سمت جدید پدیدآمده را ریاست جمهوری نامیدند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک مقدمه و چهارده فصل دارد که عبارتند از: فصل اول: اصول کلی؛ فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور؛ فصل سوم: حقوق ملت؛ فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی؛ فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن؛ فصل ششم: قوه مقننه؛ فصل هفتم: شوراها؛ فصل هشتم: رهبر یا شورای رهبری؛ فصل نهم: قوه مجریه؛ فصل دهم: سیاست خارجی؛ فصل یازدهم: قوه قضائیه؛ فصل دوازدهم: صدا و سیما؛ فصل سیزدهم: شورای عالی امنیت ملی؛ فصل چهاردهم: بازنگری در قانون اساسی.

۶-۲. جایگاه اقتصاد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اقتصاد در قانون اساسی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است تا جایی که فصل مستقلی را به آن اختصاص داده است.^۱ رشد و تعالی معنوی افراد جامعه، ایجاد عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی و استقلال اقتصادی، عمده‌ترین اهداف الگوی اقتصادی قانون اساسی هستند. قانون اساسی هدف از پرداختن به اقتصاد را، رفع نیازهای انسان به‌عنوان ضرورت رشد و تکامل معنوی می‌داند. اقتصاد وسیله بوده و هدفی جز ارائه کارکرد بهتر در راه رشد و تعالی معنوی افراد در آن انتظار نمی‌رود. عدالت اقتصادی در قانون اساسی، از اهداف بسیار مهم است تا آنجا که اساس سامان اقتصاد بر اساس عدالت پی‌ریزی می‌شود. چارچوب مفهوم عدالت در حق برخورداری برابر، توازن نسبی درآمدها و ثروت‌ها در جامعه، سهم‌بری افراد از تولید به میزان مشارکت، و قرار گرفتن اموال در موضع قوامی قابل درک است. قانون اساسی به هنگام پرداختن به حقوق اجتماعی، به حق برخورداری یکسان برای همگان تأکید کرده است.

قانون اساسی در مقدمه تحت عنوان اقتصاد وسیله است نه هدف، تحکیم بنیان‌های اقتصادی را در نفی تمرکز و تکاثر و سودجویی می‌داند. قانون اساسی با محترم‌شمردن مالکیت خصوصی

۱ فصل سوم قانون اساسی با عنوان اقتصاد و امور مالی

افراد که از راه‌های مشروع کسب شده باشد، بر ضرورت سهم‌بری عوامل تولید از ثمره کارشان به میزان مشارکت آن‌ها در فرایند تولید، تأکید می‌کند و الگوی استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر، به نسبت نیاز برای توسعه و پیشرفت اقتصادی را ضروری می‌شمارد.

استقلال اقتصادی در دو معنای ایجاد خودکفایی و تأمین آزادی‌های اقتصادی به کار رفته است، تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت کشاورزی و امور نظامی با مسئولیت دولت در اصولی از قبیل بند ششم در اصل ۳ و بندهای ۳ و ۷ در اصل ۴۳، مورد تأکید قرار گرفته و رشد و توسعه اقتصادی از جمله اهداف بوده و قانون اساسی با تأکید بر آن، به ضرورت لوازم تحقق چنین رشدی اشاره نموده است. این لوازم از قبیل استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و ضرورت تقویت روحیه تبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی و فرهنگی مدنظر است.

نظام اقتصادی جمهور اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌ها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد، از محدوده قوانین اسلام خارج نشود، همچنین موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نباشد، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند (اصل ۴۴ قانون اساسی).

در قانون اساسی شرایط اقتصادی و مادی مردم‌سالاری مورد توجه قرار گرفته است. تأمین حداقل رفاه و حداقل‌های معیشتی و نیازهای اساسی انسان نیز در جریان رشد مورد توجه قرار گرفته است و هم در جهت کاستن از شکاف‌ها و نابرابری‌های فاحش اقتصادی، مکانیسم‌های لازم پیش‌بینی شده است (شفیعی فر، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

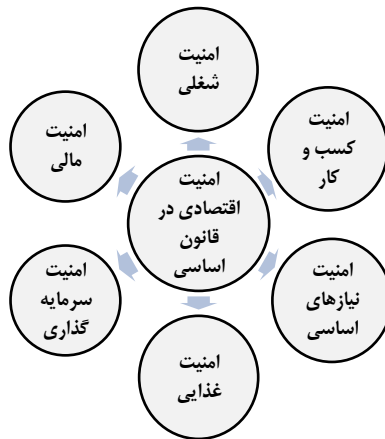
با توجه به تلقی اقتصاد به‌عنوان وسیله و نه هدف، زمینه‌سازی برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی را سرلوحه برنامه اقتصاد اسلامی قلمداد کرده و به همین جهت، تأمین امکانات مادی

مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی انسان را بر عهده حکومت اسلامی دانسته است (همان، ص ۶۶).

۷. امنیت اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

امنیت اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تحت عنوان «اقتصاد اسلامی» یاد شده که هدف آن رفع نیازهای انسان است و با عباراتی چون امنیت غذایی و امنیت سلامت مشخص می‌شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ذیل مقوله اقتصاد و با عنوان اقتصاد اسلامی یا اقتصاد صحیح و عادلانه، به طور جامع و همه‌جانبه مورد توجه قرار گرفته است. به بیان دیگر، قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت را متولی امرار معاش و بقای مردم در حوزه اقتصاد، خوراک و سلامت می‌داند.

امنیت برای افراد و دولت ایجاد تکلیف می‌کند، بدان معنی که افراد مکلف هستند، حقوق مادی و معنوی یکدیگر را مورد احترام قرار داده و رعایت کنند. دولت نیز مکلف است با وضع قانون و تأسیس اداری و قضایی برای مردم، امنیت ایجاد کند تا با اطمینان خاطر به زندگی خود ادامه دهند و نیز در منابع قانون، حقوق و آزادی افراد را محترم شمارد.



شکل ۱- شاخص‌های مهم امنیت اقتصادی در قانون اساسی

اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر کرده حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است. آنچه که تحت عنوان حقوق ملت در قانون اساسی در راستای امنیت مردم در بخش حقوق خصوصی و عمومی مردم تبیین نموده، تکلیفی است بر عهده دولت و به معنای

اخص آن یعنی قوه مجریه. اینکه اصل ۱۱۳ قانون اساسی، دولت را مسئول اجرای اصول تعریف شده معرفی کرده و به موجب اصل ۱۲۱ رئیس‌جمهور سوگند یاد نموده که پاسدار قانون اساسی بوده و بنا بر اصل ۱۲۲ ایشان در برابر ملت، رهبری و قوه مقننه مسئول شناخته شده است؛ تمامی این اصول مؤید نقش اساسی و مهم دولت در تأمین حقوق ملت است که ابتدایی‌ترین این امتیاز، مصون ماندن حقوق و اموال ملت از هرگونه تعرضی است. تعرض در لغت به درازدستی، حمله، تجاوز و... معنا شده است.

امنیت اقتصادی پدیده‌ای است که نظام سیاسی کشورها با اتکاء به آن به‌عنوان امری کاملاً سیاسی و حکومتی، شکل می‌گیرد. به عبارتی در یک نظام سیاسی، شالوده شکل‌گیری حاکمیت مباحث اقتصادی است. به‌سختی می‌توان بدون وجود یک نظام اقتصادی درست و داشتن امنیت اقتصادی به ترکیب سرزمین، ملت و رژیم سیاسی، عنوان کشور داد. به خصوص در نظام‌های سیاسی - اقتصادی جهان امروز که تمام نیازهای ابتدایی ملت‌ها بر پایه اقتصاد تعریف می‌گردد. به عبارت بهتر، تأمین مایحتاج اولیه، مانند پوشاک و خوراک تا حقوقی مانند مسکن، اشتغال، تحصیل و... در قالب نیازهای اساسی ملت، آنچنان بدیهی و ضروری است که پرداختن به آن یا وجود دغدغه پیرامون چنین نیازهایی را نشانه ناکارآمدی دولت و بی‌ثباتی نظام سیاسی می‌دانند.

امنیت اقتصادی به‌عنوان ضروری‌ترین نیاز بشر امروز از دیدگاه‌های مختلف تعریف می‌گردد: امنیت اقتصادی برای عامه شهروندان به معنای حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم در یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات ضروری از مجاری داخلی و بیرونی. در بحث تولید، امنیت اقتصادی عبارت است از حالتی که واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از پیامدهای سیاسی، اجتماعی و حقوقی به امر تولید بپردازند. تولید به منزله شالوده تأمین غالب کالاها و خدمات مورد نیاز شهروندان از اهمیت خاصی در بحث امنیت اقتصادی برخوردار است و هر واحد تولیدی در اقتصاد، با هر میزان عرضه و تقاضا، محتاج سرمایه‌گذاری اولیه و سرمایه در گردش است که هر دوی این مؤلفه‌ها جز با امنیت، به مرحله بازدهی نخواهد رسید.

اصل ۴۳ قانون اساسی مقرر نموده، برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و...، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط ذیل استوار است و در ادامه به نیازهای اساسی مانند بهداشت، درمان، آموزش، شغل، تولید، تنظیم ساعت کار به نوعی که هر فرد علاوه بر اشتغال، وقت کافی برای خودسازی معنوی و سیاسی و اجتماعی داشته باشد، اشاره نموده است. با توجه به اعتبار استدلال در مفهوم مخالف قوانین، چنانچه اقدامات دولت بنا بر ضروریات جامعه

نبوده و موجب خسارت مردم گردد تکلیف به جبران خسارت بر عهده دولت است. بنا به اصل ۲۲ قانون اساسی که مبین ضرورت امنیت اقتصادی است و اصول ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۱۳ که دولت را متصدی و مسئول ایجاد امنیت اقتصادی و پاسخگویی به ملت دانسته است؛ بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی پی‌ریزی اقتصاد صحیح را وظیفه دولت جمهوری اسلام ایران تعریف نموده است. مهم‌ترین اصلی که در قانون اساسی به امنیت اقتصادی اشاره داشته، اصل ۴۳ است که در آن امنیت شغلی، امنیت مسکن، امنیت نیازهای اساسی و... به صراحت بیان شده است:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه، به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند؛ در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هریک از مراحل رشد صورت گیرد؛

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد، علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری؛

۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛

۶. منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات؛

۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛

۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛

۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

جدول ۲- امنیت اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

متن قانون اساسی	اصول قانون اساسی	شاخص‌های امنیت اقتصادی
رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.	فصل سوم، اصل ۴۳، بند ۴	امنیت شغلی
داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند، به‌خصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.	فصل دوم، اصل ۳۱	امنیت مسکن
هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.	فصل سوم، اصل ۴۶	امنیت کسب و کار
تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.	فصل سوم، اصل ۴۳، بند ۹	امنیت نیازهای عمومی
تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.	فصل سوم، اصل ۴۳، بند ۱	امنیت نیازهای اساسی
حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.	فصل دوم، اصل ۲۲	امنیت مالی

۸. نتیجه‌گیری

امنیت اقتصادی، مرکب از دو واژه امنیت و اقتصاد است. واژه امنیت به معنای عدم وجود خطر، رهایی از اضطراب، آزاد بودن از شک و ابهام، آزاد بودن از ترس و خطر و اطمینان داشتن، آمده است. به‌طور کلی «امنیت بحثی کلی درباره پیگیری رهایی از تهدید است». بر این اساس، امنیت اقتصادی، عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در عدم اجرای تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد. امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند. به عبارت دیگر، یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود بپردازند. اگر نگوئیم تأمین امنیت، ضرورت زندگی جمعی است، بی‌شک زندگی جمعی در وهله اول، امنیت را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری تأمین می‌کند.

اگرچه در زمان تدوین و تصویب قانون اساسی، امنیت اقتصادی، اهمیت امروزی را نداشت اما مرور دوباره و بازخوانی این قانون، نشان می‌دهد جهت‌گیری مطعوف به امنیت اقتصادی در متن آن وجود دارد و بر روح آن حاکم است. سازوکارهای اقتصادی و رفاهی مردم‌محور در این قانون که کاملاً با چارچوب‌ها و موازین امنیت اقتصادی مطابق است، نشان از خودآگاهی قانونگذار به ویژگی‌های جامعه نمونه اسلامی دارد. در مقدمه قانون اساسی هدف از تدوین آن، موفقیت در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) است. و همان‌گونه که بیان شد در اصول متعددی به امنیت اقتصادی و شاخص‌های آن به صراحت اشاره نموده است. مهم‌ترین اصلی که در قانون اساسی به امنیت اقتصادی اشاره داشته، اصل ۴۳ است که در آن امنیت شغلی، امنیت مسکن، امنیت نیازهای اساسی و... به صراحت بیان شده است.

منابع

- آقایی، بهمن (۱۳۸۲). فرهنگ حقوقی. تهران: انتشارات گنج دانش.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶). تأملی بر مبانی و مفاهیم مکتب کپنهاک. سیاست خارجی، شماره ۸۲، ص ۴۵۸-۴۳۹.
- امامقلی، یاسر (۱۳۹۵). داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاک. پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۸، ص ۱۲۳-۱۴۱.
- برومند، شهزاد و همکاران (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی). تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- خاکسار، عبدالحمید (۱۳۸۹). حکومت، فرد و امنیت. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سویزی، محسن؛ محمدی، فریبرز (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت سرمایه‌گذاری. سیاست‌گذاری، ۲(۳)، ص ۱۱۹-۱۴۶.
- سیف، الله مراد (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی. آفاق امنیت، ۳(۹)، ص ۳۵-۷.
- شفیعی‌فر، محمد (۱۳۸۴). مطالعات ایران: دموکراسی و عدالت اجتماعی؛ با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، شماره ۲۷، ص ۴۹-۸۰.
- شمسی، جواد (۱۳۹۸). تاثیر اقتصاد مقاومتی بر روند امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات سیاسی، شماره ۴۵، ص ۱۲۱-۱۴۷.
- شیخی مهرآبادی، علی (۱۳۸۹). نقش دولت در اقتصاد اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۱۳، ص ۹۵-۱۰۸.
- صدقی چکان، وحید (۱۳۸۹). تاثیرات فرآیند جهانی شدن اقتصاد بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی. دانشگاه تربیت معلم.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۲). نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- عزتی، مرتضی؛ دهقان، محمدعلی (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- فنجی، محمد؛ کوهی‌اصفهانی، کاظم (۱۳۹۴). اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- فینی‌زاده بیگدلی، جعفر و همکاران (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده (موضوع) در جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، ۵(۱۷)، ص ۱۳۸-۱۱۱.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰). نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای. تهران: نشر میزان.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: نشر میزان.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۷). تحلیل تبعات اقتصادی-امنیتی تحریم‌های هسته‌ای پیش‌برجام در ایران. جستارهای سیاسی معاصر، ۹(۲۷)، ص ۱۶۳-۱۳۹.

- کریمی مله و همکاران (۱۳۸۹). تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی. *مطالعات راهبردی*، ۱۳(۴۹)، ص ۱۱۰-۸۳.
- گرچی، ابراهیم؛ هاشمیان، مسعود (۱۳۸۶). تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های امنیت اقتصادی در ایران. *مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۲۹، ص ۸۷-۵۵.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۸). *چهره متغیر امنیت ملی*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مصطفی‌نژاد، رسول (۱۳۸۸). *ارزیابی امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی در اقتصاد ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد نظری. دانشگاه پیام نور.
- میرمحمدی، سید محمد (۱۳۸۲). *تأثیر متقابل امنیت اقتصادی و اقتصاد زیرزمینی*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- هاشمی، محمد (۱۳۹۸). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وینسنت، آندرو (۱۳۸۱). *نظریه‌های دولت*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- Buzan, B., Wæver, O. & De Wilde, J. (1998). *Security: a new framework for analysis*. Lynne Rienner Publishers.
- Clapp, J.E. (2000). *Dictionary of Law*. New York: Random House Publication.
- Garner, B.A. (2004). *Black's Law Dictionary*. USA: Thomson Press.
- Udovič, B. (2006). *Economic Security: Large and Small States in Enlarged European Union*. University of Ljubljana, Faculty of Social Sciences, Centre of International Relations. Available at:
<http://www.cceisaconf.ut.ee/orb.aw/class=file/action=preview/id=6445/Udovic.doc>
- Wysokińska, Z. (2013). Transition to a Green Economy in The Context of Selected European and Global Requirements for Sustainable Development. *Comparative Economic Research*, 16(4), P.203-226.